

## الدَّرْسُ الرَّابِعُ

## أَصْحَابُ الْكَهْفِ



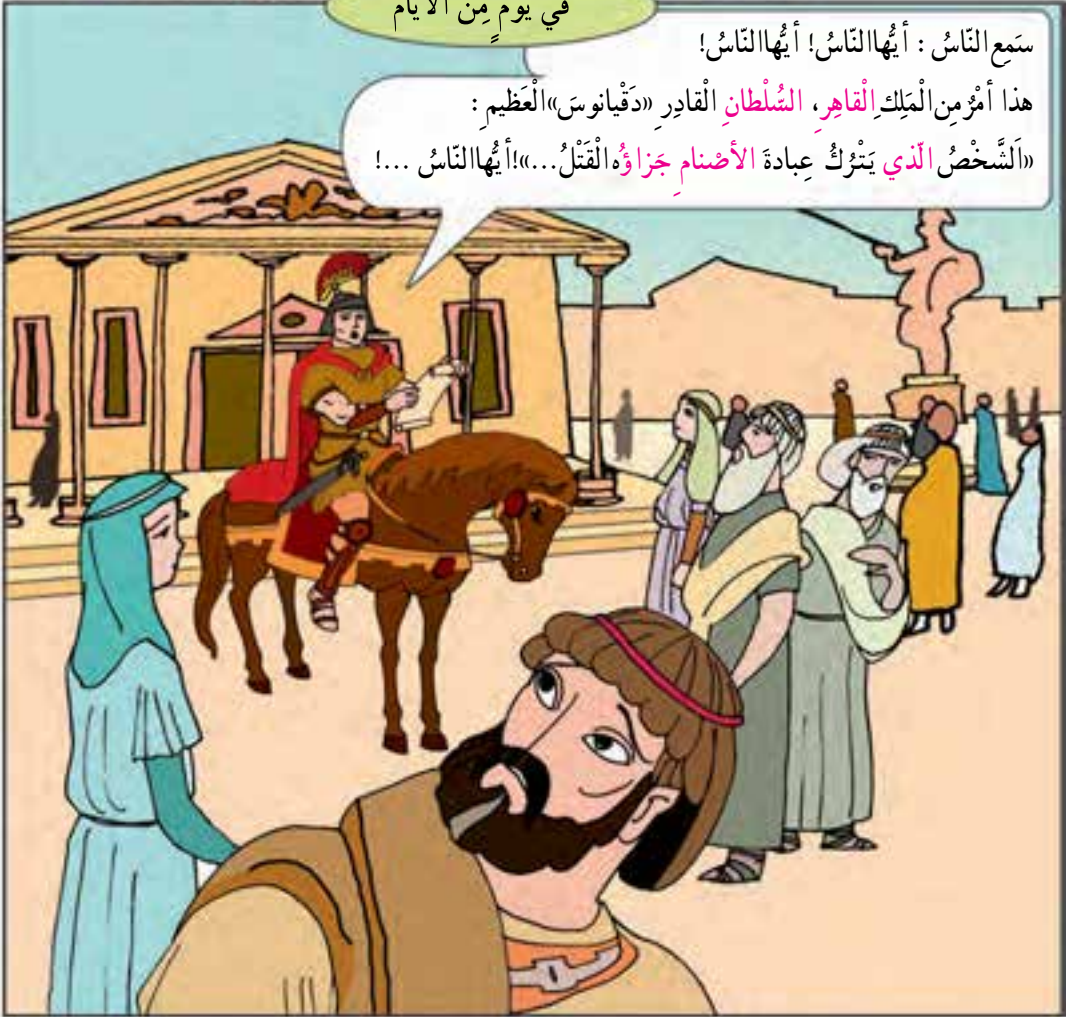
فِي قَدِيمِ الزَّمَانِ  
كَانَ النَّاسُ فِي  
رَجَدٍ وَرَفَاهٍ

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ

سَمِعَ النَّاسُ: أَيُّهَا النَّاسُ! أَيُّهَا النَّاسُ!

هَذَا أَمْرٌ مِنَ الْمَلِكِ الْقَاهِرِ، السُّلْطَانِ الْقَادِرِ «دَقْيَانُوسَ» الْعَظِيمِ:

«الشَّخْصُ الَّذِي يَتْرُكُ عِبَادَةَ الْأَصْنَامِ جَزَاءُ الْقَتْلِ...»! أَيُّهَا النَّاسُ!...



مَلَأَ الْخَوْفُ وَالرُّعْبُ قُلُوبَ النَّاسِ.  
بَدَأَ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ يَصْلِبُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ.

وَمِنْ بَعْدِ ذَلِكَ الْيَوْمِ

و كان في قَصْرِ الْمَلِكِ «أمير».

هو مؤمنٌ لا يَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ :

– إلهي أنا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ .  
– إِرْحَمْ وَأُنْصُرْ هَؤُلَاءِ الْمُؤْمِنِينَ  
وَالْمُؤْمِنَاتِ!  
– اجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِنَا خَيْرًا!



و بعد مُدَّةٍ في قَصْرِ الْمَلِكِ

جاءَ أَحَدُ الْوُشَاةِ وَقَالَ لِلْمَلِكِ :

أَيُّهَا الْمَلِكُ الْعَظِيمُ !  
إِنَّ الْأَمِيرَ وَأَصْدِقَاءَهُ  
خَارِجَ الْمَدِينَةِ الْآنَ ؛  
هُمْ مَسْغُولُونَ بِعِبَادَةِ اللَّهِ  
وَيَسْجُدُونَ لَهُ !!



غَضِبَ الْمَلِكُ بِشِدَّةٍ وَ أَمَرَ وَزِيرَهُ :

أَيُّهَا الْوَزِيرُ!

إِبْحَثْ عَنِ «الْأَمِيرِ»!

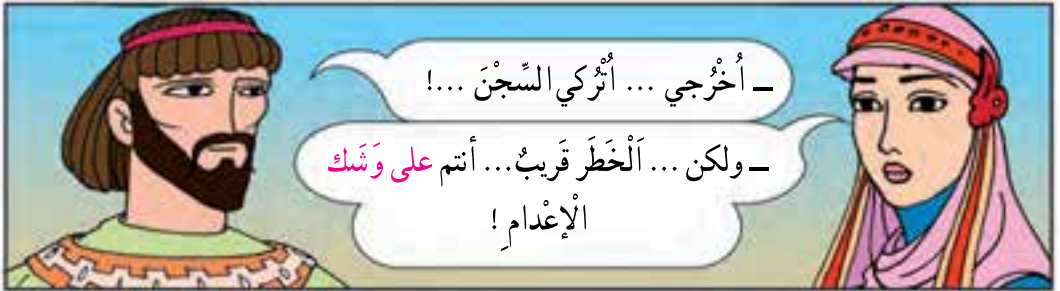
أَسْجِنْ هَؤُلَاءِ الْمُتَمَرِّدِينَ!

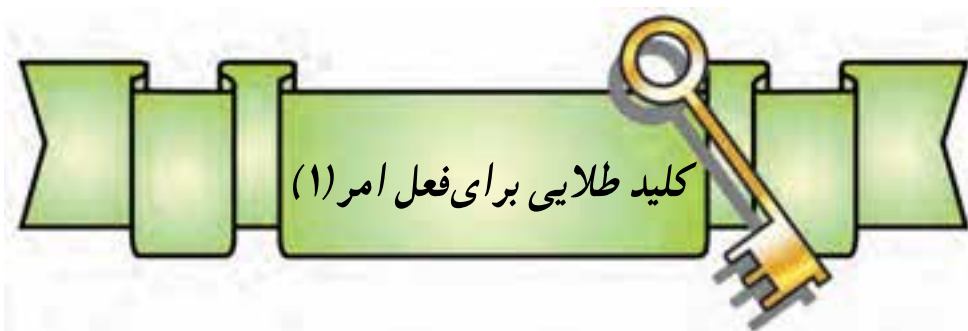
أَمْنَعْ عَنْهُمْ الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ!

أُصَلِّبُهُمْ غَدًا فِي جُدُوعِ النَّخْلِ!



إِبْنَةُ الْمَلِكِ قَلْبُهَا مَعَ هَؤُلَاءِ الْمُؤْمِنِينَ  
جَاءَتْ فِي اللَّيْلِ وَ بِيَدِهَا مَفَاتِيحُ السَّجْنِ ...





## نمایش نامه‌ی پر در دسر

دانش آموزان تصمیم داشتند نمایش نامه‌ای به زبان عربی اجرا کنند. داستان از این قرار است که چند نفر تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. آنان به خدای واحد اعتقاد دارند و علیه حکومت بی‌دین زمان خود قیام کرده‌اند. حاکم می‌خواهد به وزیرش دستور دهد که آنان را دستگیر و زندانی نماید؛ اما دانش‌آموزی که باید در نقش حاکم بازی کند، نمی‌داند که در زبان عربی چگونه دستور می‌دهند. او باید خشمگینانه دستور بدهد:

چگونه فعل امر بسازیم؟

آنان را «پیدا کن»!

برای آنان نگهبان «بگذار»!

آب و نان را از آنان «دریغ کن»!

ناچار به سراغ معلم عربی رفت و موضوع را با او در میان گذاشت. راه‌حل معلم بسیار آسان بود. او

گفت: «من کلیدی به تو می‌دهم که با آن بتوانی همیشه فعل امر بسازی».

آن‌گاه پرسید:

«آیا فعل مضارع را می‌شناسی؟»

آیا فعل مضارع می‌شناسی؟

دانش‌آموز پاسخ داد: «بلی.» و بلافاصله چند فعل را به زبان آورد...

همان موقع، معلم یک‌ایک فعل‌ها را روی تخته نوشت:

_____	تَبَحَّثُ	_____
_____	تَمَنَعُ	_____
_____	تَجَعَّلُ	_____

ناگهان معلم گفت: «ا...»

دانش آموز از جا پرید. او گمان می کرد خطایی مرتکب شده یا اشتباهی از او سر زده است. معلم دوباره گفت: «ا...» دانش آموز بار دیگر با چشمان حیرت زده اطرافش را نگاه کرد. هیچ خبری نبود. فقط معلم را می دید که مشغول طراحی یک «ا» روی تخته است و وقتی کارش تمام شد، حرف «ت» را از ابتدای هر سه فعلی که روی تخته نوشته بود، پاک کرد.

«ا» یک کلید است.



علامت سکون به دو شکل  
نوشته می شود: و و °

آن گاه گفت: «بیا باهم معامله کنیم.»

□ هرچه «ت» در ابتدای فعل های مضارع آمده است، به من بده.

□ به جای آن یک «ا» به تو می دهم.

با آن، هرچه می خواهی فعل امر بساز.»

— معامله ی خوبی است. ولی منظورتان چیست؟ چگونه؟

معلم چیزی نگفت ولی به نوشته های روی تخته خیره شد. دانش آموز هم همین کار را کرد و با خود گفت:

«لابد پاسخ من روی تخته است!» همین طور هم بود. او دید:

همه ی علامت های مضارع از ابتدای فعل ها پاک شده و به جای آن ها «ا» قرار گرفته است.

به گمان خودش پاسخ را یافته بود و فعل امر را یاد گرفته بود. از

معلم تشکر کرد و گفت: همه چیز را فهمیدم! می روم که فعل امر بسازم.

معلم با زیرکی گفت: آیا مطمئنی که همه چیز را فهمیده ای؟» او

که اندکی تردید کرده بود، گفت:

«مگر چیز دیگری هم باقی مانده است؟» و در همان حال به تخته

نگاه کرد.

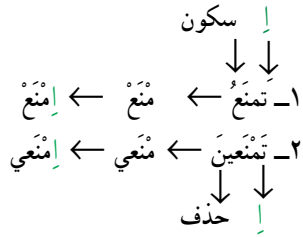
معلم گفت: «آری، به اول فعل توجه کردی اما آخرش را...»! او

وسط حرف معلم دوید و گفت: «آری درست می گوئید. حرف آخر همه ی

فعل ها ساکن شده است.»

سپس زیر لب زمزمه کرد: «اِبْحَثْ». معلم گفت: «درست است اما چیز دیگری هم هست که باید بدانی! من

چند فعل روی تخته می نویسم. دقت کن بین چیزی سر درمی آوری؟»



دانش آموز گفت: «آخر فعل دوم «ن» قرار داشت و حذف شده است.»

معلم توضیح داد: «آری، هرگاه آخر فعل «ن» باشد، حذف می شود؛

مانند:

تَذْهَبَانِ ← اِذْهَبَا

تَذْهَبُونَ ← اِذْهَبُوا»

دانش آموز به راستی همه چیز را فهمیده بود. خدا حافظی کرد و رفت و وقتی می خواست متن نمایش نامه را بنویسد، از خودش پرسید:

■ فعل امر را از چه فعلی می سازیم؟

■ به جای حرف مضارع، چه حرفی قرار می دهیم؟

■ چه موقع حرف آخر ساکن شده و چه موقع حذف می شود؟

او پاسخ همه ی سؤالات را می دانست ولی یک چیز جدید به یادش

آمد:

همزه ی بعضی از فعل های امر «مضموم» است؛ مثل: اُسْجِنُ. چرا؟

خیلی فکر کرد اما چیزی به خاطرش نرسید. پس دست به کار شد و

یک بار دیگر هرچه را درباره ی فعل امر می دانست روی کاغذ آورد. او

سعی کرد چند فعل مضارع را به امر تبدیل کند تا این راز را پیدا کند که:

«چرا همزه ی بعضی از فعل های امر، مضموم است؟»

او این جدول را برای خودش درست کرد و هر گروه از فعل های

مشابه را در یک ستون نوشت:

کلید فعل امر این است:

○ «اِ» به جای حرف مضارع

○ حذف «ن» از آخر فعل

○ سکون حرف آخر (وقتی «ن» نداشته باشد).

پرسش های کلیدی

همزه ی فعل امر یا کسره یا ضمه؟

تَكْتُبُ ← اُكْتُبْ تَسْجِنُ ← اُسْجِنُ تَنْصُرُ ← اُنْصُرُ	تَجْلِسُ ← اِجْلِسْ تَصْبِرُ ← اِصْبِرْ تَرْجِعُ ← اِرْجِعْ	تَبْحَثُ ← اِبْحَثْ تَمْنَعُ ← اِمْنَعْ تَجْعَلُ ← اِجْعَلْ
همه ی امرها «اِ» دارند	همه ی امرها «اِ» دارند	همه ی امرها «اِ» دارند

امر و مضارع

همزه ی امر

چرا این طور است؟ فقط یک نکته به نظرش رسید. آن را یادداشت کرد و بار دیگر به سراغ معلم رفت و

پرسید:

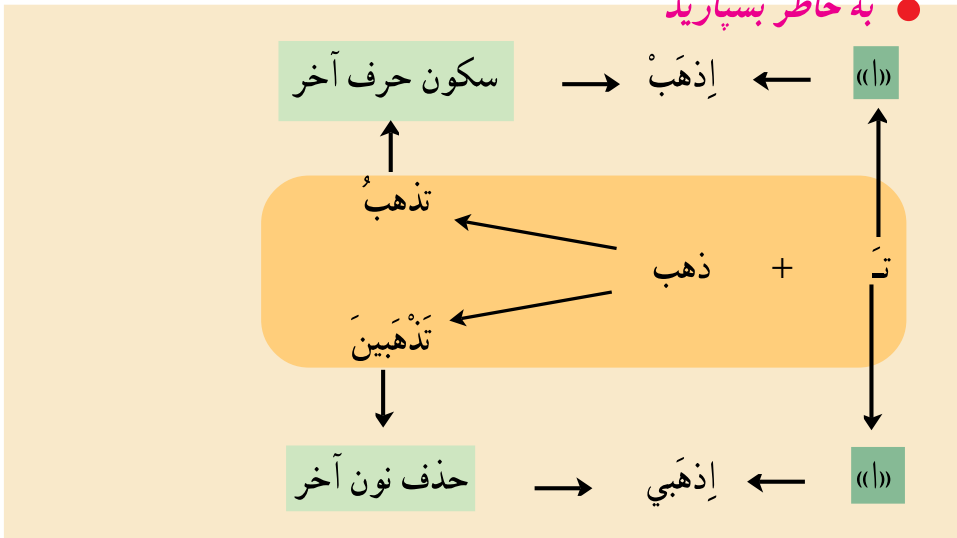
«آیا این نتیجه‌گیری من درست است که:

■ هرگاه سومین حرف فعل مضارع **ضَمَّة** داشته باشد، همزه‌ی امر هم **ضَمَّة** می‌گیرد و در غیر این صورت با **کسره** خوانده می‌شود؟»

معلم پاسخ داد: «آری. درست فهمیده‌ای.»

یک کلید برای تشخیص  
حرکت همزه‌ی فعل امر

به خاطر بسپارید





## تَمَارِينُ

### التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ



با توجه به متن درس، در مقابل پاسخ صحیح علامت × بگذارید.

مَن

- ۱- مَن قَالَ: «إِجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِنَا خَيْرًا»؟  
○ الأَمِيرُ    ○ الوَزِيرُ
- ۲- مَن قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»؟  
○ الأَمِيرُ    ○ الأَمِيرَةُ

هَلْ - أ

- ۳- هَلْ صَلَبَ الْمَلِكُ الْأَمِيرَ فِي جِدْعِ النَّخْلِ؟  
○ لا    ○ نعم
- ۴- أَهْرَبَ الْأَمِيرُ وَاصْدَقَاؤُهُ إِلَى الْكَهْفِ؟  
○ لا    ○ نعم

## التَّامِرِينَ الثَّانِي



این پدر می‌خواهد پسر و دختر خود را نصیحت کند. از میان جملاتی که در ذهن دارد و دارای فعل امر است، کدام را برای پسر و کدام را برای دختر برمی‌گزیند؟ آن‌ها را در جای مشخص شده، بنویسید.



اِسْمَعِي كَلَامَ الْحَقِّ .

اُدْكُرِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ :

ذَهَبَتْ لِي زِيَارَةُ الْمَسَاكِينِ :

اِصْبِرِي عَلَى الْمُصِيبَةِ :

اَطْلُبِي عِزَّةً لِلْجَمِيعِ ...

اُعْبُدِي رَبَّكَ .

اِعْمَلِي لِلَّهِ .

اِبْدَأْ بِيَوْمِكَ بِذِكْرِ اللَّهِ .

غَضِبْتَ عَلَى الظَّالِمِ :

تَبَحُّثُ عَنِ الْحَقِيقَةِ :

اُنْظُرِي إِلَى عَظَمَةِ الْعَالَمِ :

دَخَلْتَ فِي دِينِ اللَّهِ :

تَرْجِعِينَ إِلَى رَبِّكَ .

تَتْرُكِينَ الْبَاطِلَ .



## التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ



از قسمت «الْبِدَايَةُ» (شروع) به سمت پایین، چندین راه وجود دارد؛ از این رو، سعی کنید از مسیری بروید که در مورد هر کلمه درست‌ترین توضیح را داده باشد. اگر پاسخ‌ها درست باشد، با چهره‌ای شاد و گرنه، با چهره‌ای عبوس روبه‌رو می‌شوید!

**الْبِدَايَةُ**

از ریشه‌ی شَرَبَ

اُكْتُبُ

اِشْرَبِي

اِشْرَبْ

فعل امر برای مفرد مذکر

فعل امر برای مفرد مؤنث

بنوش

فعل امر برای مفرد مذکر

فعل مضارع

اَنْصُرُ

اِقْرَأِي

نَشْرَبُ

یاری کن

از ریشه‌ی قَرَأَ

ساخته شده از

تَقْرَأِينَ

لَا يَكْتُبُ

فعل برای مفرد مؤنث

## التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

جمله‌های زیر را با فعل «أمر» بازنویسی کنید.

- ۱- تَغْفِرُ الذَّنُوبَ \* جميعاً.
- ۲- تَرْحَمُ \* صَعْفَ بَدَنِي.
- ۳- تَجْعَلُ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجاً \*.
- ۴- تَرْجِعِينِ إِلَى رَبِّكَ.

## التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

انجام دادن هریک از امور زیر را از صاحب تصویر بخواهید.



۳-

(بازکردن در)



۲-

(بالا بردن قلم)



۱-

(برداشتن کیف)



۶-

(شستن صورت)



۵-

(پوشیدن پیراهن)



۴-

(کاشتن درخت)

## التَّمْرِينُ السَّادِسُ



آيات زیر را با دقت بخوانید و ترجمه کنید.

- ۱- ﴿أَدْخُلِ الْجَنَّةَ...﴾
- ۲- ﴿اَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ﴾
- ۳- ﴿يَا مَرْيَمُ... اَسْجُدِي وَاِرْكَعِي...﴾
- ۴- ﴿اَشْكُرْ لِلّٰهِ...﴾
- ۵- ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي...﴾



## الدَّرَاسَاتُ الْقُرْآنِيَّةُ

با کلمات زیر به طور مستقیم یا از طریق هم‌خانواده‌ی آن‌ها در متن درس آشنا شده‌اید. هر یک از آن‌ها را با توجه به معنای آیات در جای خالی قرار دهید.

### مَفَاتِيحُ - شَرَابٌ - اجْعَلْ

۱- ﴿... وَ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ (شعراء/ ۸۴)

و ذکر جمیل مرا در زبان آیندگان قرار ده.

۲- ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ ... مِنْ حَمِيمٍ﴾ (یونس/ ۴)

و کسانی که کفر ورزیده‌اند (به سزای کفرشان) نوشیدنی‌ای از آب جوشان خواهند داشت.

۳- ﴿وَ عِنْدَهُ ... الْغَيْبِ﴾ (أنعام/ ۵۹)

و کلیدهای غیب تنها نزد اوست.



به کلمه‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، نگاه کنید. با توجه به

متن درس هم‌خانواده‌ی این کلمه‌ها را بیابید و داخل دایره بنویسید.

۱- ﴿لَأَصْلَبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ﴾ (طه / ۷۱)

شما را بر تنه‌های درخت خرما به‌دار می‌آوریم.



(شعراء/ ۱۰۰ و ۱۰۱)

۲- ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾

پس برای ما نه شفاعت کننده‌ای است و نه دوست مهربانی



(بقره/ ۲۱۴)

۳- ﴿أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾

هان! مسلماً یاری خدا نزدیک است.



ترجمه‌ی تصویری

به تصاویری که در اختیار دارید، خوب دقت کنید. برای کدام یک از این عبارات‌ها می‌توانید تصویر مناسب انتخاب کنید؟

آیا برای بیان مفهوم جملات، می‌توانید از روش «تصویری» استفاده کنید؟

- إلهي أنا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ.
- أُصَلِّبُهُمْ فِي جُدُوعِ التَّحْلِ.
- إِرْجِعْ بِسُرْعَةٍ وَاذْهَبْ مِنْ هُنَا.
- أَنْتَ فِي حَظَرٍ!...